

نویسنده : لایلی جی. گولدستاین «J. Goldstein» .
منبع و تاریخ نشر : ریسیونسیبل ستیت گرفت «2025-04-08» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**چرا ترامپ احتمالاً نمی تواند آنچه را که نیکسون
انجام داد «معکوس» آنرا انجام دهد**

***Why Trump probably can't pull off a 'reverse
Nixon'***

خودی ها اشاره می کنند که کاخ سفید برنامه بلندپروازانه ای برای
ایجادفاصله بین مسکو و پکن دارد.

***Insiders hint that the White House has some ambitious plan
to drive a wedge between Moscow and Beijing.***

دیپلماسی غیرمتعارف رئیس جمهور دونالد ترامپ زنگ خطر را در سراسر جهان به
صدا درآورده است، به ویژه در واشنگتن دی سی. در حالی که بسیاری از نخبگان داخلی

از چشم انداز ظاهراً تغییر جهت گیری آمریکا به سمت روسیه وحشت دارند، خودی های دولت به طرحی بلندپروازانه برای ایجاد فاصله بین مسکو و پکن اشاره کرده اند.

آنها احتمال مانور موسوم به «نیکسون معکوس» را با هدف تقویت موازنه قدرت جهانی که برای آمریکا مطلوب تر است، مطرح کرده اند. اما آیا می تواند کار کند؟

رئیس جمهور ریچارد نیکسون در سال 1972 از چین بازدید کرد و به انجماد 25 ساله بین واشنگتن و پکن پایان داد. میزدیپلماسی او سال ها قبل با درگیری های خونین در امتداد مرز چین و شوروی در سال 1969 تنظیم شده بود. این شکاف بین غول های کمونیست اوراسیا عملاً دری را برای نیکسون باز کرد.

حرکت قاطع نیکسون در صفحه شطرنج جهانی یک ضربه ژئوپلیتیکی عظیم به شوروی بود. اکنون کرملین باید با بلوک های نظامی قدرتمند در مرزهای غربی و شرقی خود مبارزه می کرد. و همانطور که در دهه 1980 مشخص شد، ترکیبی از توانایی های تکنولوژیک آمریکا و منابع عظیم جمعیتی چین و تشنگی برای مدرن سازی برای اتحاد جماهیر شوروی، که قبلاً بیش از حد گسترش یافته بود، بیش از اندکی نگران کننده بود.

البته دنیای امروز بسیار متفاوت است، اما آیا تلاش ترامپ برای نزدیک شدن به کرملین می تواند تحولی خیره کننده مشابه در سیاست جهانی ایجاد کند؟

متأسفانه چنین نتیجه ای بعید است. فراتر از تضاد شدید در روابط ایالات متحده و روسیه، عامل مهم دیگری در کار است: همبستگی گسترده و عمیقی که مشخصه روابط چین و روسیه است.

برخی از کارشناسان غربی روابطی را که پکن و مسکو را به هم پیوند می دهند، صرفاً «ازدواج مصلحتی» توصیف کرده اند و نشان می دهند که یک گسست فرضی - مشابه آنچه در دهه 1960 رخ داد - همچنان قابل تصور است. این بدان معنا نیست که این رابطه عاری از تنش باشد، چه در رابطه با مسائل زیست محیطی، مانند ورود هولناک چوب در سیرری برای بازار چین، یا مسائل باقیمانده سیاست خارجی مانند نحوه برخورد با هند یا ویتنام. از این گذشته، پکن از فروش تسلیحات بی شمار مسکو به رقبای منطقه ای چین خشنود نیست.

علاوه بر این، هیچ یک از طرفین مشتاق بحث در مورد تاریخ دردناک درگیری چین و شوروی نیستند. بسیاری اشاره کرده اند که عدم تقارن قدرت آشکاری بین دو کشور وجود دارد که باعث ایجاد بی ثباتی شده است.

با این حال، تصویر کلی یک رابطه هماهنگ دوجانبه است. تجارت چین و روسیه در سال های اخیر رونق گرفته است. بازار وسیع چین به روسیه اجازه داده است تا صادراتی

که قبلاً برای اروپا در نظر گرفته شده بود را به مشتریان چینی منحرف کند. این به معنای انرژی ارزان برای پکن بوده و از آن مهم‌تر، نقش کلیدی در ثبات مالی روسیه در بحبوحه تحریم‌های سنگینی که از سال 2022 علیه این کشور اعمال شده است، داشته است.

پکن برای کرملین بسیار بیشتر از ایجاد ثبات در امور مالی روسیه و پر کردن بازارهای مصرفی بزرگ آن انجام داده است. مهم‌تر از همه، این کشور هر دو مؤلفه کلیدی را برای ماشین جنگی روسیه و همچنین کمک‌های لجستیکی به موقع، از جمله کمک‌های غیرکشنده را ارائه کرده است که بسیار قابل توجه است.

به نظر می‌رسد حفاری‌های چینی برای ساخت «خط سورویکین» روسیه که حمله اوکراین در تابستان 2023 را با هدف رسیدن به دریای آزوف به طور قاطعانه شکست داد، بسیار مهم است. به همان اندازه مهم، رهبران و کارشناسان پکن جریان ثابتی از بیانی‌ها را ارائه کرده‌اند که عموماً از کرملین در مبارزه با غرب حمایت می‌کنند.

و در حالی که چین از ارسال تسلیحات مرگبار چه رسد به سربازان به اوکراین خودداری کرده است، به تمرینات نظامی مشترک منظم با روسیه ادامه داده است که اکنون به طور معمول شامل نیروهای استراتژیک و نیروهای غیرقانونی می‌شود. در اکتبر 2024، نیروهای گارد ساحلی چین و روسیه برای اولین گشت زنی مشترک خود از طریق تنگه برینگ - نزدیک به خط ساحلی آلاسکا، به هم پیوستند. قطب شمال عرصه مشارکت چند حوزه‌ای بین چین و روسیه را تشکیل می‌دهد که در آن منافع آنها کاملاً هماهنگ است. به طور خلاصه، چین به دنبال منابع طبیعی است، در حالی که روسیه به شدت به سرمایه و تخصص فنی برای تحریک توسعه شمال مرتفع نیاز دارد.

شایان ذکر است، مشارکت نظامی چین و روسیه اکنون گاهی کشورهای ثالث مانند ایران را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، یک تحلیل دانشگاهی چینی در سال 2024 نشان می‌دهد که فشار «هژمونی دریایی ایالات متحده» می‌تواند به طور همزمان در دریای سیاه و همچنین دریای چین جنوبی احساس شود، که دلالت بر دیدگاه استراتژیک واقعاً مشترک دارد.

بسیاری از حوزه‌های تعاونی که در بالا پیشنهاد شد، دلالت بر پیوند عمیقی بین چین و روسیه دارد که به راحتی شکسته نخواهد شد. این امر باعث می‌شود تا در مورد عملی بودن یک مانور به اصطلاح «معکوس نیکسون» تردیدهای زیادی ایجاد شود. با این حال هنوز دلایل محکمی برای پیگیری بهبود روابط بین واشنگتن و مسکو وجود دارد. اول و مهم‌تر از همه، ضرورت بشردوستانه برای توقف خونریزی وحشتناک در اوکراین وجود دارد.

دوم، بهترین راه برای کاهش خطرات جنگ هسته‌ای و مهار اشاعه هسته‌ای، تقویت مجدد کنترل تسلیحات از طریق بهبود روابط بین کشورهای پیشرو دارای سلاح هسته‌ای

است. بهبود روابط با کرملین می تواند سود استراتژیک با دیگر کشورهای مشکل ساز مانند کره شمالی و ایران به همراه داشته باشد.

در نهایت، می توان تصور کرد که روسیه با اعتماد به نفس تر، اندکی کمتر تحت سلطه چین باشد و بنابراین احتمال کمتری دارد که «جواهرات تاج» فناوری نظامی روسیه را به اشتراک بگذارد. این شامل حوزه های حساس زیردریایی های هسته ای و توسعه سلاح های هسته ای است.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :

لایل جی. گلدشتاین

لایل گلدشتاین مدیر تعامل آسیا در اولویت های دفاعی است و همزمان به عنوان مدیر ابتکار چین و همکار ارشد در موسسه واتسون برای امور بین الملل و عمومی در دانشگاه براون خدمت می کند. نظرات بیان شده توسط نویسندگان در مورد Statecraft مسئول لزوما منعکس کننده دیدگاه های موسسه Quincy یا من نیست.

----- با تقدیم احترامات «2025-04-09»

